

## مقایسه منزلت‌های هویتی و رضامندی زناشویی بین متأهلین شاهد و غیرشاهد دانشجوی در سطح شهرستان کرج

زینب زارعی نژاد\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مقایسه‌ای رابطه بین منزلت‌های هویتی با رضامندی زناشویی زوج‌های شاهد و غیرشاهد دانشجوی می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری کل دانشجویان متأهل اعم از شاهد و غیرشاهد دانشگاه‌های شهر کرج است و تعداد نمونه آماری، با توجه به ماهیت پژوهش، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر دانشجوی متأهل مرد و ۲۰۰ نفر دانشجوی متأهل زن) تعیین شد. سپس از بین این دانشگاه‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، گروه نمونه انتخاب شدند. اطلاعات لازم برای این پژوهش، از اجرای دو آزمون پرسش‌نامه منزلت هویت فرد (Eom-Eis-۲) و پرسش‌نامه رضامندی زناشویی انریچ هم‌زمان به دست آمده‌اند. برای پاسخ به فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش، با توجه به ماهیت متغیرها، از روش‌های استنباطی شامل آزمون‌های  $Z$  و  $t$  برای معنی‌دار بودن ضریب همبستگی  $r$  و آزمون  $Zr$  فیشر برای مقایسه همبستگی‌های دو گروهی و همچنین آزمون  $t$  و  $U$  من ویتنی برای مقایسه میانگین‌ها و مجموع رتبه‌های دو گروه استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که هویت‌یافتگی با رضامندی زناشویی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارتی، میزان رضامندی زناشویی در افرادی که از منزلت هویت‌یافتگی بالایی برخوردارند بیشتر است. همچنین یافته حاکی از آن است که اختلاف همبستگی دو متغیر (رضامندی و ابعاد هویت) بین دو گروه متأهلین شاهد و غیرشاهد در بعد هویت‌یافتگی، به‌طور مثبت، معنی‌دار است، ولی در سایر ابعاد هویت این اختلاف

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، پژوهشگاه شاخص پژوه اصفهان zareezeynab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۷

معنی دار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** رضامندی زناشویی، منزلت هویتی، شاهد، غیرشاهد.

## ۱. مقدمه

هویت (identity) از جمله موضوعاتی است که امروزه مدنظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران است و هرکدام به‌تبع ارتباط خود با این موضوع به اهمیت آن می‌پردازند. برای روان‌شناسان، آنچه اهمیت دارد ثبات هویت افراد و کسب هویت موفق و گذر موفقیت‌آمیز از بحران هویت است (یاسایی، ۱۳۸۰).

مفهوم «هویت من» در بین سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۵۰ را اریکسون (Ericson)، در روان‌شناسی، مطرح کرد (شرفی، ۱۳۸۰).

هویت، از نظر اریکسون، عبارت است از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران قائل می‌شود. هویت فردی سازه‌ای روانی - اجتماعی است و شامل طرز فکر و عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران می‌شود. هویت، به‌طور سنتی، در مقابل جمله «من کیستم؟» ظاهر می‌شود و مارشیا (Marcia) با استفاده از تعریف اریکسون در مورد هویت می‌گوید:

شکل‌گیری هویت، یک رویداد مهم در رشد شخصیت انسان است. در اواخر نوجوانی، تحکیم هویت نشان‌دهنده پایان کودکی و شروع بزرگسالی است. شکل‌گیری هویت شامل ترکیبی از مهارت‌ها و باورها و همانندسازی‌های کودکی است که منجر به یک کل کم و بیش یکتا و پیوسته می‌گردد و برای فرد جوان نیز حسی از پیوستگی با گذشته و هم‌جهت‌گیری به‌سوی آینده را فراهم می‌نمایند (Berzonsky & kulk, ۲۰۰۰).

از واژه هویت نخستین‌بار فروید، فقط یک‌بار آن هم به‌صورت تصادفی، استفاده کرد و سپس آن را با معنای ضمنی روانی - اجتماعی درهم آمیخت. در این‌جا، اصطلاح هویت با یک معنای ضمنی به ارزش‌های منحصربه‌فردی اشاره می‌کند که با گذشته منحصربه‌فرد شخص به وجود آمده است. یعنی او بر اساس این فرایند به هویت تکیه می‌کند (Slets & Burk, ۲۰۰۲).

بر اساس آثار اریکسون، مارشیا روی آورد منزلت هویتی چهارگانه را برای توضیح فرایند تحول و ساختار هویت من ارائه کرد. مدل چهارگانه منزلت من مارشیا، با توجه به تجربه بحران هویت و عهده‌دار شدن (تعهد) تدوین شده است که ضعیف‌ترین سطح قدرت

به ترتیب سردرگمی هویت، دنباله‌روی (هویت زودرس)، بحران‌زدگی (هویت دیررس)، هویت‌یافتگی یا هویت موفق است. پس از طی یک دوره بررسی‌های جدی و درنهایت انتخاب و تعهد به اهداف و برنامه‌های زندگی، افراد به منزلت هویت‌یافتگی دست می‌یابند که بالاترین سطح از نظر سازش‌یافتگی و قدرت من است و، در مقایسه با منزلت دنباله‌رو، من قوی و منعطف دارد (Berzonsky & kulk, ۲۰۰۰).

تعدادی از روان‌شناسان می‌کوشند تا روابط صمیمی بین افراد را بررسی کنند و در مورد چگونگی شکل‌گیری رفتار صمیمانه به نتایجی روشن دست یافته‌اند. آن‌ها بر این نظرند که رفتار صمیمانه زوج‌ها در دوران رشد و تکامل فرد ریشه دارد. زوج‌ها می‌توانند با یکدیگر، به دور از هر نوع نارضایتی، رفتاری صمیمانه داشته باشند که آن را قبلاً در کانون‌های گوناگون و خصوصاً در خانواده تجربه کرده باشند. انسان در مرحله‌ای از رشد خود لازم و ضروری می‌بیند که رفتار صمیمانه را در چهارچوب روابط جنسی قرار دهد و این ظرفیت را در ازدواج تحقق می‌بخشد. با توجه به این که هدف از تشکیل خانواده جایگاهی برای نارضایتی و فروپاشی و طلاق نیست، ولی شاهد رقم رو به افزایش آن بین زوج‌ها هستیم. بنابراین، سؤالات متعددی به ذهن می‌رسد؛ از جمله چرا زوج‌ها دچار نارضایتی و طلاق می‌شوند و سرانجام به طلاق و جدایی روی می‌آورند؟ چه علل و عواملی منجر به ناسازگاری و طلاق می‌شود؟ شخصیت زوج‌ها تا چه میزان موجب استحکام کانون خانواده است؟ برای پاسخ به سؤالات فوق و استحکام‌بخشیدن به کانون خانواده و پیش‌گیری از ازدواج‌هایی که در آن امکان بروز ناسازگاری است و برای بررسی حوزه‌هایی که اختلاف و ناسازگاری زناشویی در آن به وجود می‌آید و منجر به فروپاشی نظام خانواده می‌شود، لازم و ضروری است که آن دسته از عواملی را که منجر به ناسازگاری بین زوج‌ها می‌شود بررسی کنیم.

اگر نوجوانی دوره شکل‌گیری هویت است، جوانی همراه با نیازها و فرایندهای آن دوره تحکیم هویت است. فرایند تحکیم هویت به این ترتیب است که فرد انرژی خود را در نقش‌ها و مسئولیت‌ها و موقعیت‌هایی که با آن مواجه شود صرف می‌کند (مثل شغل، خانواده، ازدواج) و در عین حال به‌منظور ایجاد هویتی مثبت و منسجم این سرمایه‌گذاری را مدام ارزیابی می‌کند.

بر اساس نظریه تحولی اریکسون (۱۹۸۲)، ازدواج معمولاً در راستای نیاز مرحله ششم تحول شخصیت فرد، یعنی همجوشی و مردم‌آمیزی یا نیاز به صمیمیت، در برابر مردم‌گریزی

یا انزوا، مطرح است. ارضای صحیح این نیاز تا حد زیادی مرهون طی مراحل قبل، به‌ویژه مرحله نوجوانی، و کسب هویت برای تقویت آن در این مرحله است (مای لی، ۱۳۸۱). روابط زناشویی، در فرایند ازدواج، تحت تأثیر عوامل متعددی مانند عوامل شخصیتی و محیطی و خانوادگی قرار دارد. ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها و نوع هویت آنان و ... سهم عمده‌ای در رضامندی زناشویی دارد. سالانه تعداد بسیاری از زوج‌های جوان و حتی میان‌سال، به‌علت ناسازگاری با یکدیگر، به زندگی مشترک خود از طریق طلاق پایان می‌دهند و زوج‌های سازگار به زندگی مشترک ادامه می‌دهند. چرا بعضی زوج‌ها با تفاهم و رضامندی با یکدیگر زندگی را می‌گذرانند و گروهی در حل و فصل ساده‌ترین مسائل زندگی خود با دشواری و سردرگمی مواجه‌اند؟ زوج‌های رضامند چه روشی را برای حل مناسب مشکلات به کار می‌برند؟ آیا این روش می‌تواند ناشی از عوامل درونی و شخصیتی زوج‌ها باشد؟

از دست دادن والدین به علل گوناگون، از جمله جدایی و طلاق و مرگ، در دوران کودکی عامل مهم و زمینه‌ساز آسیب‌شناسی روانی در بزرگسالی قلمداد شده است. کندلر و همکاران (۱۹۹۶) از دست دادن فرد محبوب، به‌ویژه عضوی از خانواده، را از تجربه‌های دردناکی می‌داند که بشر طی زندگانی خود از آن رنج می‌برد (سهرابی، ۱۳۶۹). بالبی (۱۹۸۰) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که از دست دادن عزیزان در خردسالی می‌تواند افراد را حساس کرده و آن‌ها را بیشتر مستعد ناراحتی‌هایی کند که در آینده تجربه خواهند کرد. بسیاری از محققان، در باب نقش پدر، به این نتیجه رسیده‌اند که حضور پدر در خانواده در پیشرفت تحصیلی و رشدشناختی و تحول اخلاقی یا وجدان و تحول نقش جنسی و فقدان آسیب‌های روانی تأثیر مثبت دارد و حضور نداشتن او با اختلال در هریک از این ابعاد همراه است.

آثار سوء فقدان پدر ناشی از سه عامل است:

۱. فقدان نظارت و کنترل والدین؛
۲. فقدان الگو یا موضوع مناسب برای همانندسازی فرزندان مذکر؛
۳. اغتشاش خانواده زمانی که فقدان پدر روی می‌دهد (دوروتی و راجز، به نقل از سرمد، ۱۳۷۳).

بنابراین، بررسی نقش والدین در شکل‌گیری هویت جوانان و هم‌چنین در روابط

خانوادگی و رضامندی زناشویی پس از ازدواج بسیار مهم و اساسی است که در پژوهش حاضر رابطه بین متغیرهای رضامندی زناشویی و منزلت‌های هویت و نیز مقایسه آن بین دو گروه از متأهلین شاهد و غیرشاهد بررسی می‌شود.

## ۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

در چند سال اخیر، با توجه به افزایش زوج‌های شاهد و نیاز به بررسی عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی، با دیدگاه پیش‌گیری به‌منظور برخوردارکردن فرزندان شاهد از خدمات مشاوره ازدواج در مراحل قبل و حین و بعد از ازدواج، در سطح کشور تدابیری اتخاذ شده است. چون از ابراز و روی‌آورد یکسان و مشخصی برای ارائه خدمات مزبور استفاده نمی‌شده و همچنین در خصوص کیفیت مشکلات رضامندی زناشویی در زوج‌های شاهد و همسرانشان پژوهشی انجام نشده است، به نظر می‌رسد بتوان در این پژوهش در جهت تصریح کمی میزان رضامندی زناشویی زوج‌های شاهد و همسرانشان و متغیرهای مرتبط با آنان، مانند سبک‌های منزلت هویت، در سطح افزایش دانش در موضوعات خانواده گام‌هایی هرچند مقدماتی برداشت و زمینه را برای استفاده همسان از ابزارهای مناسب در مشاوره قبل از ازدواج و برنامه‌ریزی‌های آموزشی بهداشت روانی و افزودن توانش مناسب و منطبق با نیازهای آنان و پژوهش‌های تجربی فراهم کرد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین متغیرهای رضامندی زناشویی و منزلت‌های هویت و نیز مقایسه آن بین دو گروه از متأهلین شاهد و غیرشاهد است.

علاوه بر این می‌توان موارد زیر را از اهداف فرعی این پژوهش قلمداد کرد:

- بررسی رابطه بین سبک‌های منزلت هویت یافتگی با رضامندی زناشویی متأهلین شاهد و غیرشاهد؛

- بررسی نوع سبک‌های منزلت هویتی در دو گروه دانشجویان متأهل شاهد و غیرشاهد؛

- مقایسه میزان رضامندی زناشویی میان دانشجویان متأهل شاهد و غیرشاهد.

قائمی و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهش خود مبنی بر رابطه ابعاد هویت و ارزش‌های دانشجویان این نتیجه را گرفتند که بین ارزش‌ها و ابعاد هویت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. ارزش‌ها (شامل ارزش‌های مذهبی، تأیید هنجارها، جمع‌گرایی، خانواده‌محوری، پیشرفت خانواده، خودکترلی و مهر فرزندی) به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی هویت و ابعاد آن (تعهد و اکتشاف) است.

پرهیزگار (۱۳۸۱) در پژوهش خود نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای بحران هویت در مقایسه با دانش‌آموزان فاقد بحران هویت در کل رابطه ضعیف‌تری با والدین خود دارند. نتایج پژوهش «ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج‌های غیرطلاق و زوج‌های در حال طلاق» (بهار، ۱۳۷۹) نشان داد که هر یک از سازه‌های مؤثر بر کارایی خانواده (ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی، حل مسئله و ...) در سوق دادن به طلاق نقش چشم‌گیری دارند.

همراهی (۱۳۸۰)، طی بررسی رابطه منزلت‌های چهارگانه هویتی با روابط سالم و ناسالم دختران با جنس مخالف، نشان داد که دختران، در منزلت بحران زده، سردرگمی و دنباله‌رو روابط ناسالم بیشتری را نشان می‌دهند. رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، در بررسی تحول هویت و رابطه آن با هویت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی، به این نتیجه رسید که بین افزایش سال‌های تحصیلی در دانشگاه و کاهش زودرسی هویت همبستگی منفی برقرار است. با افزایش سال‌های تحصیلی، فقط در سال چهارم افت هویت مذهبی گزارش شده است. بالاترین سطح حرکت خود در گروه هویت موفق به دست آمد و در نهایت این‌که بین هویت ملی و مذهبی و حالت اضطراب همبستگی منفی معنادار و بین هویت ملی و حرمت خود همبستگی مثبت برقرار است. از نکات مهم این پژوهش درصد درخور توجه بحران‌زدگی دانشجویان کارشناسی به میزان ۵۴ تا ۷۱ درصد است که بالاترین سهم از میان چهار وضعیت هویتی را به خود اختصاص داده است. دارابی (۱۳۷۶)، با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا بین دانش‌آموزان دارای پدر و دانش‌آموزان فاقد پدر (شاهد و غیرشاهد) و دختران و پسران تفاوت معناداری در احساس هویت وجود دارد یا خیر به این نتیجه رسید که دختران شاهد از هویت قوی‌تری در مقایسه با پسران شاهد برخوردارند و پسران گروه فاقد پدر احساس هویت قوی‌تری از پسران واجد پدر نشان دادند و بین دختران و پسران دارای پدر در احساس هویت تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج پژوهش میرخشتی (۱۳۷۵)، با عنوان «بررسی رابطه رضایت زناشویی و سلامت روان»، نشان داد که رضایت زناشویی تأثیر مهمی در سلامت روان و روابط متقابل زن و شوهر دارد.

کریم‌عسکری (۱۳۷۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های رفتاری

فرزندان شاهد در خانواده‌های تک‌والدی در شهرستان اصفهان»، به این نتیجه رسید که ناسازگاری اجتماعی که در کل نشان‌دهنده رفتار ناسازگارانه در کلاس با همکلاسی‌هاست در گروه‌های تک‌والدی و ازدواج مجدد به میزان زیادی دیده می‌شود و شیوع این حالت در گروه ازدواج مجدد نسبتاً بالاتر است.

برگ وارلینگ (۲۰۰۵)، طی بررسی ۲۲۲ دانش‌آموز سوئدی با میانگین سنی ۱۴ تا ۱۶، نتیجه گرفت که بین دو جنس در منزلت‌های بحران‌زده و سردرگم و دنباله‌رو تفاوت معنادار وجود دارد، چنان‌که مردها بیشتر از زن‌ها دنباله‌رو و سردرگم و زن‌ها بیشتر بحران‌زده‌اند. هم‌چنین میزان سردرگمی (۳۴ درصد) بیش از منزلت‌های هویتی دیگر در گروه نمونه شیوع دارد (هویت‌یافتگی ۱۷ درصد، بحران‌زدگی ۲۵ درصد، دنباله‌روی ۲۴ درصد).

بایارد و یورواين (۲۰۰۳)، در بررسی رابطه بین سبک زندگی دانشجویان دانشگاه و تحول هویت آن‌ها، به این نتیجه رسیدند که افراد دارای هویت بحران‌زده میزان بیشتری از علم‌زدگی و رقابت‌های پیشرفتی به رفتارهای اجتماعی و افراد دارای هویت‌یافتگی به این موارد علاقه بیشتری نشان می‌دهند.

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

۱. بین میزان رضامندی زناشویی و منزلت هویت‌یافتگی رابطه مثبتی برقرار است.
۲. رابطه میزان رضامندی زناشویی و منزلت‌های هویتی متأهلین شاهد متفاوت از متأهلین غیرشاهد است.
۳. بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان رضامندی زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان هویت‌یافتگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

### ۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از طرفی، به‌علت بررسی رابطه بین دو متغیر (منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی) در دانشجویان، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، به‌علت مقایسه میزان منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی در متأهلین شاهد و غیرشاهد، در زمره طرح‌های علی-مقایسه‌ای نیز به‌شمار می‌رود.

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش حاضر، کل دانشجویان متأهل اعم از شاهد و

غیرشاهد دانشگاه‌های شهر کرج است. حجم جامعه آماری، بر اساس آخرین آمار در پژوهش حاضر، ۱۱۰۰۰ نفر دانشجوی متأهل دانشگاه‌های شهر کرج است.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری: تعداد نمونه آماری در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت و نوع پژوهش، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر دانشجوی متأهل مرد و ۲۰۰ نفر دانشجوی متأهل زن) تعیین شد. در ابتدا از بین دانشگاه‌های شهر کرج تعداد هفت دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب شد، سپس از بین این دانشگاه‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، گروه نمونه انتخاب شدند.

روش‌های گردآوری داده‌ها: اطلاعات لازم برای این پژوهش از اجرای دو آزمون منزلت هویت فرد (Eom- Eis - ۲) و پرسش‌نامه رضامندی زناشویی انریچ به دست آمده‌اند.

پرسش‌نامه منزلت هویت فرد (Eom- Eis - ۲): در سال ۱۹۸۶، آدامز و بنی‌بن با اصلاح پرسش‌نامه (Eom- Eis - ۲) دومین پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من (Eom- Eis - ۲) را ساختند (آدامز و همکاران، ۱۹۸۶، رضانی ۱۳۸۰). این پرسش‌نامه ساخت هویت را بررسی می‌کند و کل پرسش‌نامه ۶۴ سؤال دارد.

هر قسمت شامل ۱۶ سؤال است که هویت‌یافتگی و بحران‌زدگی و دنباله‌روی و سردرگمی را نشان می‌دهد. برای مشخص کردن نوع هویت فرد باید نمره‌های هر قسمت را با هم جمع کرد و نمره هر نوع از هویت‌های بالا که بیشتر بود نوع هویت فرد را تعیین می‌کند (اسلویو ۲۰۰۲، به نقل از رضانی، ۱۳۸۰).

در این آزمون (آدامز و همکاران، ۱۹۸۹، رضانی، ۱۳۸۰) به هریک از سؤالات از نمره ۱ تا ۵ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تعلق می‌گیرد.

هویت‌یافتگی: سؤالات ۱۳، ۸، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۳۳، ۴۰، ۳۵، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۵۵، ۶۰؛

بحران‌زندگی: سؤالات ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۷، ۶۱؛

دنباله‌روی: سؤالات ۳، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۵۰، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۴؛

سردرگمی: سؤالات ۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۹.

نتایج مربوط به اعتبار در سه نوع اعتبار ثبات درونی آزمون مجدد و دونیمه‌کردن گزارش شده است. یافته‌های مربوط به اعتبار ثبات درونی، برحسب ضریب آلفای کرونباخ، با میانگین ۰/۶۶ به دست آمده است. یافته‌های مربوط به اعتبار آزمون مجدد با میانگین ۰/۷۶ و اعتبار مربوط به دونیمه‌کردن پرسش‌نامه برای مقیاس‌های هویتی عقیدتی و بین



شخصی از ۰/۳۷ تا ۰/۶۴ گزارش شده است. ضمن بررسی پژوهشی‌های گوناگون مقدرار روایی همگرا را از ۰/۳۲ تا ۰/۹۲ و مقدرار روایی واگرا را از ۰/۲۷ تا ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. (آدامز و جونز، ۱۹۸۳؛ آدامز و شی و فیچ، ۱۹۷۹؛ یانگ، ۱۹۸۵). هم‌چنین در تحقیق داستانی (۱۳۸۴)، با عنوان «بررسی تحولی شکل‌گیری هویت در نوجوانان و جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر قم»، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه رضامندی زناشویی انریچ: این پرسش‌نامه، به‌منزله ابزاری برای تحقیق معتبر، در تحقیقات متعددی برای سنجش میزان رضایت زناشویی استفاده شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). این پرسش‌نامه از ۱۲ مقیاس به شرح زیر تشکیل شده است:

پاسخ قراردادی: تمایل شخص برای پاسخ متعارف به سؤالات پرسش‌نامه را اندازه‌گیری می‌کند. رضایت زناشویی (conventionality): این مقیاس رضایت و انطباق با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی را که در زیر آمده است، اندازه‌گیری می‌کند.

موضوعات شخصیتی (marital satisfaction): این مقیاس درک شخص را از همسرش، با توجه به رفتارها و ویژگی‌ها و سطح رضایت یا ناراضیتی که مربوط به این موضوعات می‌شود، ارزیابی می‌کند.

ارتباط زناشویی (personality issues): این مقیاس به احساسات و اعتقادات و نگرش‌های شخص در مورد نقش ارتباط در تداوم روابط زناشویی مربوط می‌شود.

حل تعارض (pleasure activities): این مقیاس نگرش‌ها و احساسات و اعتقادات شخصی همسر را، در به‌وجودآوردن یا حل تعارض، ارزیابی می‌کند.

نظارت مالی (conflict resolution): این مقیاس تمرکز دارد بر علائق و نگرش‌های مربوط به روش اقتصادی و مسائلی که در روابط زن و شوهر اداره می‌شوند.

فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت (pleasure activities): این مقیاس ترجیحات شخصی هر زوج را برای گذراندن اوقات فراغت ارزیابی می‌کند.

روابط جنسی (sexual relation): این مقیاس احساسات و نگرانی‌های شخصی را درباره روابط جنسی و عاطفی با همسر ارزیابی می‌کند.

ازدواج و بچه‌ها (marriage and children): این مقیاس نگرش‌ها و احساسات شخصی را درباره داشتن بچه و توافق در تعداد بچه‌ها ارزیابی می‌کند.

بستگان و دوستان (family and friends): این مقیاس به ارزیابی احساسات و علائق مربوط به روابط با خویشاوندان و اقوام همسر و دوستان می‌پردازد.

نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد (egalitarian roles): این مقیاس نگرش‌ها و احساسات و اعتقادات شخص را درباره نقش‌های گوناگون زناشویی ارزیابی می‌کند. نمره پایین نشان‌دهنده ارزش‌های برابرنگرانه است.

جهت‌گیری عقیدتی (religious orientation): این مقیاس نگرش‌ها و احساسات و علائق شخص را درباره اعتقادات و اعمال مذهبی در زندگی زناشویی ارزیابی می‌کند.

فرم اصلی پرسش‌نامه رضامندی زناشویی انریچ از ۱۱۵ سؤال و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. اولسون و همکارانش ضریب اعتبار این پرسش‌نامه را ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. ضریب همبستگی پرسش‌نامه انریچ، با مؤلفه‌های رضایت خانوادگی، از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مؤلفه‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه آن است. همه خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹).

## ۵. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. روش‌های تجزیه و تحلیل توصیفی: شامل فراوانی و میانگین و انحراف استاندارد برای پاسخ به فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش، با توجه به ماهیت متغیرها از ارزش‌های استنباطی شامل آزمون‌های  $Z$  و  $t$  برای معنی‌دار بودن ضریب همبستگی  $r$  و آزمون  $Zr$  فیشر برای مقایسه همبستگی‌های دو گروهی و هم‌چنین آزمون  $t$  و  $U$  من ویتنی که برای مقایسه میانگین‌ها و مجموع رتبه‌های دو گروه است و جهت سهولت در محاسبات و کاهش خطاهای اندازه‌گیری از بسته نرم‌افزاری Spss استفاده شده است.

۲. روش‌های تجزیه و تحلیل استنباطی: استاندارد برای پاسخ‌دادن به فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش با توجه به ماهیت متغیرها از ارزش‌های استنباطی شامل آزمون‌های  $t$  برای معنی‌دار بودن ضریب همبستگی  $r$  و آزمون  $Zr$  فیشر برای مقایسه همبستگی‌های دو گروهی و هم‌چنین آزمون  $t$  و  $U$  من ویتنی که برای مقایسه میانگین‌ها و مجموع رتبه‌های دو گروه است.

پس از طی مراحل اداری، به منظور اجرای هماهنگی‌های لازم، پرسش‌نامه‌های پژوهش در بین دانشجویان متأهل دانشگاه‌های مربوطه در خوابگاه و دانشکده‌ها، در ابتدا بین متأهلین شاهد و سپس متأهلین غیرشاهد، توزیع شده و دانشجویان مدنظر به پرسش‌نامه‌های مربوطه هم‌زمان پاسخ دادند، سپس اطلاعات گردآوری‌شده از پرسش‌نامه، از طریق نرم افزار Spss تحلیل و بررسی شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر «رضامندی زناشویی»

درصد	فراوانی	شاخص‌های توصیفی	
		رضامندی زناشویی	ردیف
۳/۵	۱۴	نارضایتی شدید	۱
۱۲	۴۸	نارضایتی	۲
۷۹/۳	۳۱۷	رضایت نسبی	۳
۵/۳	۲۱	رضایت شدید	۴
۱۰۰	۴۰۰	جمع کل	

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان رضایت زناشویی در مقوله رضایت نسبی با فراوانی ۳۱۷ و ۷۹/۳ درصد وجود دارد. پس از آن نارضایتی با فراوانی ۴۸ و ۱۲ درصد قرار دارد. رضایت شدید با فراوانی ۲۱ و ۵/۳ درصد و نارضایتی شدید با فراوانی ۱۴ و ۳/۵ درصد در دو انتهای این پیوستار قرار دارند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر «منزلت‌های هویت»

گروه نمونه به تفکیک وضعیت و گروه‌های سنی

جمع کل	طبقات سنی			ابعاد هویت	وضعیت
	۳۵-۳۱	۳۰-۲۶	۲۵-۲۰		
۱۶۷	۱۲	۸۷	۶۸	هویت‌یافتگی	شاهد
۱	۰	۰	۱	بحران‌زدگی	
۲	۱	۱	۰	سردرگمی	
۱۷۰	۰	۰	۰	دنباله‌روی	
۲۰۸	۲۴	۱۲۵	۵۹	هویت‌یافتگی	غیرشاهد
۱۸	۱	۳	۱۴	بحران‌زدگی	

۴	۰	۳	۱	سردرگمی	
۲۳۰	۰	۰	۰	دنباله‌روی	

همان طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، در گروه شاهد بُعد هویت‌یافتگی در تمامی گروه‌های سنی فراوانی مطلق را کسب کرده و فقط ۳ زوج در مقوله‌های دیگر قرار دارند. در گروه غیرشاهد نیز اگرچه فراوانی مطلق به مقوله هویت‌یافتگی تعلق دارد، ۸۱ زوج در مقوله‌های دیگر قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. آمار توصیفی برای متغیرهای منزلت هویتی و رضامندی زناشویی

ردیف	شاخص‌های توصیفی رضامندی زناشویی	هویت‌یافتگی	بحران‌زدگی	سردرگمی	دنباله‌روی	فراوانی کل
۱	نارضایتی شدید	۱۰	۴	۰	۰	۱۴
۲	نارضایتی	۳۹	۹	۰	۰	۴۸
۳	رضایت نسبی	۳۰۵	۶	۶	۰	۳۱۷
۴	رضایت شدید	۲۱	۰	۰	۰	۲۱
	جمع کل	۳۷۵	۱۹	۶	۰	۴۰۰

همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، از کل گروه نمونه، از میان هویت‌یافته‌ها ۲/۷ درصد از نارضایتی شدید، ۱۰/۴ درصد از نارضایتی، ۸۱/۳ درصد از رضایت نسبی، ۵/۶ درصد از رضایت شدید برخوردارند؛ از میان بحران‌زده‌ها ۲۱/۱ درصد از نارضایتی شدید، ۴۷/۴ درصد از نارضایتی، ۳۱/۶ درصد از رضایت نسبی برخوردارند و از میان سردرگم‌ها ۱۰۰ درصد از رضایت نسبی برخوردارند.

## ۶. یافته‌ها

فرضیه ۱: بین میزان رضامندی زناشویی و منزلت هویت‌یافتگی رابطه مثبتی برقرار است.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین هویت‌یافتگی و رضامندی زناشویی

متغیر	ضریب همبستگی	Zob	سطح معناداری
-------	--------------	-----	--------------

هویت‌یافتگی و رضامندی زناشویی	۰/۱۴۱	۲/۸۲	۰/۰۰۵
-------------------------------	-------	------	-------

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، هویت‌یافتگی رابطه مثبت و معنی‌داری با رضامندی زناشویی دارد. همبستگی بین این دو متغیر در کل افراد گروه نمونه برابر با ۰/۱۴۱ و سطح معنی‌داری آن  $P=0/005$  است، بنابراین فرضیه ۱ تحقیق، مبنی بر این‌که بین هویت‌یافتگی و رضامندی زناشویی رابطه مثبت برقرار است، تأیید می‌شود.

فرضیه ۲: رابطه میزان رضامندی زناشویی و منزلت‌های هویتی متأهلین شاهد متفاوت از متأهلین غیرشاهد است.

جدول ۵. مقایسه ضریب همبستگی دو متغیر رضامندی زناشویی و منزلت هویتی در دو گروه شاهد و غیرشاهد

ابعاد هویت	هویت‌یافتگی	بحران‌زدگی	سردرگمی	دنباله‌روی	n	
ضریب همبستگی	۰/۳۱۹ xx	۰/۲۱۴ xx	۰/۲۳۶ xx	-۰/۱۲۲	۱۷۰	شاهد
ضریب همبستگی	-۰/۰۰۷	-۰/۱۷۰ xx	-۰/۱۰۰	-۰/۰۹۴	۲۳۰	غیرشاهد
مقایسه $r$ Zob	+ ۳/۲۳	+۰/۴۵۷	+۱/۲۹۷	+۰/۰۲۸۳	۴۰۰	مقایسه $r$ دو گروه

همان طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، رضامندی با ابعاد هویت در بین متأهلین شاهد در سه سطح معنی‌دار است، ولی در سطح چهارم (دنباله‌روی) معنادار نیست و در بین متأهلین غیرشاهد فقط در یک سطح (بحران‌زدگی) معنی‌دار است و در سه سطح دیگر معنی‌دار نیست، هم‌چنین مقایسه همبستگی محاسبه‌شده با  $Zr$  فیشر نشان داد که اختلاف همبستگی دو متغیر بین دو گروه متأهلین شاهد و غیرشاهد، در بعد هویت‌یافتگی، معنی‌دار است، ولی در سایر ابعاد هویت این اختلال معنی‌دار نیست، بنابراین فرضیه ۲ پژوهش در مورد هویت‌یافتگی تأیید می‌شود.

فرضیه ۳: بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان رضامندی زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل در متغیر رضامندی زناشویی

شاخص‌های توصیفی رضامندی زناشویی	کل	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معناداری
شاهد	۱۷۰	۵۰/۲۷	۷/۶۹	۳۹۲/۹۹	۳/۹۵۹	۰/۰۰۵

			۹/۳۰	۴۶/۹	۲۳۰	غیرشاهد
--	--	--	------	------	-----	---------

همان طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، میانگین رضامندی زناشویی در گروه شاهد برابر با ۵۰/۲۷ و انحراف استاندارد ۷/۶۹ و میانگین رضامندی زناشویی در گروه غیرشاهد برابر با ۴۶/۹ و انحراف استاندارد ۹/۳۰ است که تفاوت این میانگین در سطح  $P=۰/۰۰۵$  معنی‌دار است. با توجه به اختلاف بین واریانس‌ها و احتمال این‌که به‌کاربردن آزمون  $t$  برای مقایسه دو میانگین تا حدی اشکال دارد، نمرات تبدیل به رتبه و با استفاده از آزمون  $u$  من ویتنی اختلاف‌های دو گروه بررسی شد که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. آزمون  $U$  من ویتنی و  $Z$  برای متغیر رضامندی زناشویی در گروه‌های شاهد و غیرشاهد

نمره رضامندی زناشویی	
۱۶۳۰۴/۵	$U$ من ویتنی
-۲/۸۵۴	$Z$
۰/۰۰۴	سطح معناداری

با توجه به جدول ۷ می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان رضامندی زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان هویت‌یافتگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد

جدول ۸. آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل در متغیر منزلت هویتی

شاخص‌های توصیفی	کل	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	$t$	سطح معناداری
شاهد	۱۷۰	۵۹/۰۹	۶/۰۸	۳۹۲/۰۹	۴/۶۳۰	۰/۰۰۵
غیرشاهد	۲۳۰	۵۵/۹۹	۷/۲۸			

همان طور که جدول ۸ نشان می‌دهد، میانگین هویت‌یافتگی در شاهد برابر با ۵۹/۰۹ و انحراف استاندارد ۶/۰۸ و در غیرشاهد برابر با ۵۵/۹۹ و انحراف استاندارد ۷/۲۸ است که تفاوت این میانگین در سطح  $P=۰/۰۰۵$  معنی‌دار است. با توجه به اختلاف بین واریانس‌ها و احتمال این‌که به‌کاربردن آزمون  $t$  برای مقایسه دو میانگین تا حدی اشکال دارد، نمرات تبدیل به رتبه و با استفاده از آزمون  $U$  من ویتنی، اختلاف‌های دو گروه بررسی شد که نتایج

آن در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. آزمون U من ویتنی و Z برای متغیر منزلت هویتی در گروه‌های شاهد و غیرشاهد

نمره رضامندی زناشویی	
۱۵۰۵/۵	U من ویتنی
-۳/۹۳۷	Z
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری

با توجه به تحلیل‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در میزان هویت‌یافتگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی متأهلین شاهد در مقایسه با متأهلین غیرشاهد از هویت‌یافتگی بیشتری برخوردارند.

## ۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ۴ فرضیه مطرح شد که نتایج آن به شرح زیر است:  
 اولین فرضیه تحقیق حاضر مربوط به بررسی ارتباط بین دو متغیر هویت‌یافتگی و رضامندی زناشویی و هم‌چنین تعیین میان ارتباط بین آن دو متغیر بود. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که هویت‌یافتگی با رضامندی زناشویی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارتی، می‌توان گفت که میزان هویت‌یافتگی در رضامندی زناشویی زوج‌ها تأثیر می‌گذارد و افرادی که از هویت‌یافتگی بالایی برخوردارند، به تبع آن، از میزان رضامندی زناشویی بالایی نیز برخوردار خواهند بود. گرچه تحقیقات مستقیمی در ارتباط با موضوع مشاهده نشد، نتایج به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌هایی نظیر پژوهش میرخشتی (۱۳۷۵) که نشان داد رضایت زناشویی تأثیر مهمی در سلامت روان و روابط متقابل زن و شوهر دارد و نتایج پژوهش بهاری (۱۳۸۰) که نشان داد هر یک از سازه‌های مؤثر بر کارایی خانواده (ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی، حل مسئله و ...) در سوق‌دادن به طلاق نقش چشم‌گیری دارند و نتایج پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) نشان داد که باورهای غیرمنطقی به‌طور معنی‌داری در افراد ناراضی از زندگی زناشویی بیشتر است و در این زمینه تفاوت معنی‌داری نیز بین زنان و مردان بود. چنان که برخی از یافته‌های خارجی نظیر پژوهش بایارد و یوروادین (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که افرادی دارای هویت بحران‌زده میزان بیشتری از علم‌زدگی و رقابت‌های پیشرفتی در قبال رفتارهای اجتماعی و افراد دارای هویت‌یافتگی مشکلات عشقی بیشتری نشان می‌دهند و تحقیقات مارکمن و استانلی و بلامبرگ (۱۹۹۴) که نشان

داد سطح گشودگی فرد در برابر تجربه‌های جدید می‌تواند بر رغبت وی در گوش سپردن به صحبت‌های همسر و فهم و درک دیدگاه‌ها و نظریات او کمک مفیدی کند و این تحقیقات با تحقیقاتی که پیش از این ذکر شد در این زمینه همسویی دارد. بنابراین با استناد به این نتیجه به دست آمده، فرضیه اول تحقیق، مبنی بر این‌که بین میزان رضامندی زناشویی و منزلت هویت‌یافتگی رابطه مثبتی وجود دارد، تأیید شد.

فرضیه دوم پژوهش حاضر در مورد «تفاوت میزان رضامندی زناشویی و منزلت‌های هویتی متأهلین شاهد و متأهلین غیرشاهد» است. یافته‌های آزمون این فرضیه حاکی از آن است که تفاوت منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی متأهلین شاهد به‌طور مثبت و معنی‌داری در بعد هویت‌یافتگی معنی‌دار است، ولی در سایر ابعاد هویت این اختلاف معنی‌دار نیست. تحقیقات مستقیمی در مورد این موضوع مشاهده نشد، اما این نتایج با نتایج پژوهش ریس (۱۹۷۸)، که نمونه‌ای از ۱۲۷ کودک بین ۳/۵ تا ۵ ساله را در مراکز پرستاری می‌شیکان مورد مطالعه قرار داد و التزام عاطفی و اجتماعی کودکان واجد و پدر محروم از پدر را با هم مقایسه کرد و به این نتیجه دست یافت که غیبت پدر رفتار اجتماعی کودکان پیش دبستانی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و طولانی شدن غیبت پدر تحول رفتارهای اجتماعی را مختل نمی‌سازد و در نهایت این‌که خانواده‌های محروم از پدر و واجد پدر و واجد ناپدری تفاوت معنی‌داری با هم ندارند و هم‌چنین در پژوهش دیگری لسینگ (۱۹۷۶) نمونه‌ای از کودکان ۹ تا ۱۶ ساله را که دارای اختلالات روانی بودند بررسی کرد تا تأثیر محرومیت از پدر را بر توانش‌های شناختی آنان بررسی کند و مقایسه بهره هوش کودکانی که پدر داشتند و کودکان محروم از پدر که با پدرخوانده زندگی می‌کردند، هیچ‌گونه تفاوت معناداری را نشان نداد. کلام (۱۹۷۷) به این نتیجه دست یافت که کودکانی که با پدرخوانده زندگی می‌کردند در مقایسه با کودکانی که فقط با مادر خود زندگی می‌کردند سازگاری بهتری نداشتند (سخاوتی، ۱۳۸۰) و گرین اشتاین (۱۹۶۷)، با تحقیق در مورد ۷۵ بزهکار در نیوجرسی در حدود سنی ۱۵ سالگی، میان پسران محروم از پدر و واجد پدر از حیث همانندسازی در نقش جنسی تفاوت معنی‌داری نیافت و برونسکی (۲۰۰۴)، در نتایج تحقیق خود، نشان داد که سبک تربیتی والدین و شیوه‌های نظم‌بخشی آن‌ها در شکل‌گیری تعهدات مربوط به هویت نقش دارند. والدینی که از سبک قاطع و اطمینان‌بخش استفاده می‌کردند نوجوانانی با تعهدات هویت بالا داشتند و برعکس والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیر دارای نوجوانانی با تعهدات پایین بودند و در پژوهش دیگری آدامز و



جونز (۱۹۸۳) و پاپی نی (۱۹۹۴) دریافتند که محیط خانه و روش‌های فرزندپروری بر شکل‌گیری هویت اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد؛ ویلسن (۱۹۶۷) رابطهٔ پیشینهٔ فردی و خانوادگی را با رضامندی زناشویی بررسی کرد و دریافت که تنیدگی کلی، سلامت هیجانی، دفعات ازدواج، مشکلات خانوادگی، سازگاری خانوادگی با رضامندی زناشویی ارتباط معناداری دارد. همچنین با برخی از یافته‌های داخلی، نظیر پژوهش دارابی (۱۳۷۶) که با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا بین دانش‌آموزان دارای پدر و دانش‌آموزان فاقد پدر (شاهد و غیرشاهد) و دختران و پسران تفاوت معناداری در احساس هویت وجود دارد یا خیر به این نتیجه رسید که دختران شاهد از هویت قوی‌تر پدر مقایسه با پسران شاهد برخوردار بودند و پسران گروه فاقد پدر هویت قوی‌تری از پسران واجد پدر نشان دادند و بین دختران و پسران دارای پدر در احساس هویت تفاوت معناداری مشاهده نشد، همسویی دارد. بنابراین، با استناد به این نتیجه به دست آمده، تفاوت رضامندی زناشویی و منزلت‌های متأهلین شاهد در بعد هویت‌یافتگی معنی‌دار است، ولی در سایر ابعاد هویت این اختلاف معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیهٔ دوم پژوهش در مورد هویت‌یافتگی تأیید می‌شود.

فرضیهٔ سوم دربارهٔ بررسی «تفاوت‌بودن رضامندی زناشویی در بین متأهلین شاهد و غیر شاهد» است. نتایج آزمون این فرضیه تفاوت بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در رضامندی زناشویی را نشان می‌دهد.

فرضیهٔ چهارم تفاوت میزان منزلت هویت‌یافتگی در بین متأهلین شاهد و غیرشاهد را بررسی می‌کند که نتایج آزمون این فرضیه اختلاف بین متأهلین شاهد و غیرشاهد در منزلت هویت‌یافتگی را نشان می‌دهد.

از دیدگاه اریکسون، ویژگی‌های از پیش تعیین‌شدهٔ زیست‌شناختی و سازمان‌دهی تجارب شخصی و زمینهٔ فرهنگی به وجود فرد معنی و شکل و پیوستگی می‌دهد و فرد می‌داند که تا چه حدی به هویت دست یافته است. شکل‌گیری هویت مهم‌ترین حادثهٔ رشد شخصیت در دوران نوجوانی است؛ یعنی هنگامی که ویژگی‌های زیست‌شناختی و فرایندهای عقلی انتظارات اجتماعی مربوط به عملکرد مناسب بزرگسال را برآورده می‌سازد. اریکسون بر اهمیت بافت اجتماعی تأکید دارد؛ زیرا بافت اجتماعی چیزی برای جست‌وجو ارائه می‌کند که می‌تواند حقیقت داشته باشد. وی نسل والدین را مسئول ارائهٔ چهارچوب جهانی به جوانان می‌داند، حتی اگر این چهارچوب به گونه‌ای باشد که نوجوان از آن سرپیچی کند و به ارزش‌های خودساخته روی آورد (شوارتز، ۲۰۰۲).

بر اساس آثار اریکسون، مارشیا (۱۹۶۶) روی آورد منزلت‌های هویتی چهارگانه را برای توضیح فرایند تحول و ساختار هویت «من» ارائه کرد. نکته جالب مدل مارشیا این است که چهار منزلت هویت مطرح شده هم فرایند تحول هویت را نشان می‌دهد و هم بیانگر ساختار هویت است. شرایط فرهنگی تربیتی خانواده، روابط حاکم بین والدین، استرس و فشارهای روانی در درون خانواده در کنار سایر عوامل اجتماعی نقش مهمی در رضامندی زناشویی دارد.

این پژوهش به بررسی رابطه بین منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی در میان دانشجویان متأهل پرداخت. واقعیت این است که رضامندی زناشویی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگونی قرار دارد که در این تحقیق یکی از متغیرهای تأثیرگذار، یعنی منزلت‌های هویت، انتخاب و ارتباط آن با رضامندی زناشویی بررسی شد و مورد آزمون قرار گرفت.

مسلم است که شرایط فرهنگی و تربیتی و خانواده و روابط حاکم بین والدین و استرس و فشارهای روانی در درون خانواده و رسیدن به هویتی منسجم در میان زوج‌ها، در کنار سایر عوامل اجتماعی، سهم مؤثری در رضامندی زناشویی دارد. بنابراین، می‌توان گفت که، با عنایت به پیشینه پژوهشی در دست و موارد مذکور، این یافته پژوهش مبنی بر این که افزایش هویت‌یافتگی موجب افزایش رضامندی زناشویی می‌شود منطقی به نظر می‌رسد و برنامه‌ریزان جامعه به‌ویژه نهادهای مرتبط با مسائل خانواده و نیز بنیاد شهید و امور ایثارگران با آگاهی بیشتری می‌توانند از آن در راستای ارائه خدمات مشاوره‌ای برای زوج‌ها، مخصوصاً زوج‌های شاهد، و یا حتی در مشاوره پیش‌گیرانه قبل از ازدواج بهره‌برند و با ارائه کردن راه‌کارهای مناسب، برای بهبود هویت ناسالم، زوج‌ها را در حل مشکلات زناشویی یاری رسانند و یا از بروز نارضامندی‌های احتمالی جلوگیری کنند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی متأهلین شاهد تفاوت مثبت و معنی‌داری با متأهلین غیرشاهد دارد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده، در زمینه تأثیر پدر در هویت‌یافتگی و سایر زمینه‌های شخصیتی و اجتماعی، بین گروه فاقد پدر و واجد پدر تفاوتی نیست، ولی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که متأهلین شاهد از هویت‌یافتگی و رضامندی بیشتری برخوردارند؛ این تناقض میان پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌ها می‌تواند ناشی از تأثیر نوع فقدان پدر باشد؛ همان طور که آدامز (۱۹۸۹)، به انواع خانواده‌های محروم از پدر اشاره کرده، نوع فقدان پدر در میزان و

نوع تأثیر آن در شخصیت و احساس فرزند تفاوت دارد. از چند جهت مرگ پدر کمتر از طلاق آسیب‌زاست. هم‌چنین از آن‌جایی که نحوه مرگ و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی و ارزشی و احساس ناشی از آن در میزان و نوع تأثیر فقدان مؤثر است و در پژوهش حاضر نیز گروه فاقد پدر شامل فرزندان شاهد بود و با توجه به باورها و ارزش‌های فرهنگی و دینی‌ای که در مورد شهادت و ایثار در جامعه برقرار است و هم‌چنین حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی که در قبال بازماندگان شهید انجام می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر منطقی به نظر می‌رسد. البته پژوهش‌هایی درباره تفاوت میزان همبستگی بین منزلت‌های هویت و رضامندی زناشویی، به گونه‌ای که در تحقیق حاضر بدان پرداخته شده است، در پیشینه پژوهش یافت نشد. بنابراین، به نظر می‌رسد پرداختن به این مسئله خود موضوعی مهم و مفصل است که باید در پژوهش‌های مستقلی بررسی و تحلیل شود.

هم‌چنین میانگین میزان رضامندی زناشویی و هویت‌یافتگی بین زوج‌های شاهد و غیرشاهد بررسی شد و نتایج نشان داد که تفاوت میانگین رضامندی زناشویی در سطح  $P=0/953$  معنی‌دار نیست، ولی در مورد منزلت هویت‌یافتگی در سطح  $P=0/008$  معنی‌دار است. علاوه بر این، میانگین‌های گروه نمونه در متغیر منزلت‌های هویت به دست آمد و نتایج نشان داد که میانگین فقط در سطح بحران‌زدگی معنی‌دار نیست و در سطح دیگر معنی‌دار است.

## ۸. محدودیت‌ها

۱. از آن‌جایی که اغلب پرسش‌نامه‌های این تحقیق در اختیار دانشجویان شهرستانی متأهل ساکن خوابگاه‌های دانشجویی قرار داده شده، بنابراین نتایج آن به کل دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر کرج باید با احتیاط تعمیم داده شود.

۲. از آن‌جایی که پژوهش حاضر در میان دانشجویان انجام شده است، ممکن است نتایج حاصل از آن تعمیم‌دانی به افراد غیردانشجو نباشد.

۳. بر اساس نوع پرسش‌نامه‌های به‌کاررفته، یافته‌های پژوهش بر اساس مقیاس‌های خودگزارشی به دست آمده است و می‌تواند از سوگیری پاسخ و خلق‌وخوی آزمودنی تأثیر پذیرد.

## ۹. پیشنهادها

۱. با توجه به بالاتر بودن نرخ طلاق در شهر کرج از شهرستان، نظر به این‌که این پژوهش اکثراً درباره دانشجویان متأهل ساکن خوابگاه‌های دانشجویی انجام شده و به تبع اکثر افراد گروه نمونه شهرستانی اند، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با تأکید بیشتر در مورد دانشجویان متأهل کرج نیز اجرا شود تا با اطمینان بیشتر بتوان نتایج این دو گروه را با هم مقایسه کرد.

۲. این پژوهش در میان افراد غیردانشجو نیز اجرا شود.

۳. به رغم این‌که پرسش‌نامه‌های مورد استفاده پژوهش حاضر از جایگاه روان‌سنجی خوبی برخوردارند، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با ابزارهای دیگر مجدداً اجرا شود تا تعمیم‌پذیری یا تعمیم‌ناپذیری نتایج بهتر آشکار شود.

۴. بهتر است پژوهش‌های آتی تحقیق حاضر را به صورت طرح تجربی و آزمایشگاهی بررسی کنند و روابط بین متغیرهای آن را دقیق‌تر و بهتر نشان دهند تا بتوان ضمن کنترل و دست‌کاری متغیرها به استنباط علی پرداخت.

## منابع

- براتی، طاهره (۱۳۷۵). «تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- بهراری، فرشاد (۱۳۷۹). «ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج‌های غیرطلاق و زوج‌های در حال طلاق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- پرهیزگار، آذردهخت (۱۳۸۱). «مقایسه کیفیت رابطه ولی - فرزندی در دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت دبیرستان‌های دخترانه شهرستان کازرون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- دارابی، جواد (۱۳۷۶). «بررسی مقایسه‌ای احساس هویت دانش‌آموزان فاقد و واجد پدر»، مجموعه مقالات نخستین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران: عروج.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). «تحولی در هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۶۹). «بررسی اختلالات رفتاری نوجوانان شاهد محروم از والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد»، دانشگاه تربیت معلم تهران.

شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). *جوان و بحران هویت*، تهران، سروش.

عباسپور، زهرا (۱۳۷۰). «بررسی وضعیت روانی - اجتماعی همسران متأهل و مجرد شهدا»، پژوهش موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات بنیاد شهید.

قائم، مریم، مژگان عارفی و راضیه شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۲). «بررسی رابطه هویت و ارزش‌ها بر جوانان»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی (ویژه‌نامه هویت)*، دانشگاه فردوسی مشهد، ج ۴، ش ۱.

مای لی. آر. (۱۳۸۱). *ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت*، ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران.

میرخشتی، فرشته (۱۳۷۵). «بررسی رابطه رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن.

همراهی، عشرت (۱۳۸۰). «بررسی رابطه منزلت‌های چهارگانه هویتی با رابطه سالم و ناسالم دختران (۱۵ تا ۱۸ساله) با جنس مخالف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن.

Archer, s.l. & A.S. Waterman (۱۹۹۰). "Varieties of Identity Diffusions and Foreclosures: an Exploration of Subcategories of the Identity Statuses", *Journal of Adolescent Research*, No. ۵.

Berzonsky, M.D. & kulk (۲۰۰۰). "Identity Style, Parental Authority, and Identity Commitment". *Journal of youth and adolescence*, Vol. ۳, No. ۳۳.

Davis, M. H. & , H. A. Oathout (۱۹۸۷). "Maintenance of Satisfaction in Romantic Relationships: Empathy and Relational Competence", *Journal of Personality and Social Psychology*, No. ۵۳.

Erikson, E. (۲۰۰۰). *Social and Emotional Development in Adolescence, Psychology of Childhood and Adolescence*.

Filsinger, E.E. (۱۹۸۰). "Social competence and Marital adjustment", *Home Economics Research Journal*, No. ۹.

Gottman, J. M. (۱۹۸۱). "Communicative Competence Behaviors of Marriage in Nonverbal Couples", *Journal of Marriage and the Family*. Vol. ۴۳ (۴).

<http://www.rock.uwc.edu/psy360/outlines/socado.htm>.